

روز اول ماه می ( روز کارگر ) ، به تمام کارگران جهان  
و کمونیست های راستین و انقلابی مبارک باد !

کبیر توخی ( پ . رتبیل )


( 25-04-2010 )

## کارگر !

کارگر ، کارگر ! بنگر ، بر بیداد سرمایه  
خیزشی ده ، به ده ، خروشی ده به شهر  
هم به بر و هم به بحر ، بسان اکتوبر

\*\*\*

تحرکی ده ، به اصناف شهرها  
هم به روز مزدان قریه ها ،  
هم به کسبه کاران دوره گرد  
هم به روستائیان بی پناه ،  
هم به کشتگران تهی دست  
که درهر حال و بهر مجال  
سرمایه رنگی گیرد و صورتی دیگر  
و ، در هر دور تسلسل ، بحران ای زاید ،  
و ز برای رهائی از چنبر آن ،  
بخود پیچد ، چون اژدهای هزار سر  
- و مزدوران لچر اش  
این تحریف گران تئوری انهدام اش  
چون سگان ولگرد  
بر منتقدانش ، می جفند و می غوند -  
و سرمایه ،  
از پرتگاهی که بنابودیش کشاند در هر بار  
خزد بسوی " نجات ... " !  
از برای آنکه ،  
باردیگر ، بیابد جان ای دیگر .



و؛ اما ، اینبار  
در فرجام ، ز نابودیش بیآغازد تکامل  
تکاملی که انجامش انقلاب است  
زایش جهان دیگرست - جهان پر ثمر انسانی -  
جهانی که نه از ستم ، نه از استثمار و نه از استعمار  
نباشد در آن اثری .

و تو ای کارگر ! برای بنای چنین جهانی  
**ناسکیبا** ، نا آزموده ، نا آشنا ،  
با شتاب ، تاختی بر دژ سرمایه  
و کردی کمون ای بر پا  
از پی آن ،

افروختی چراغ پرتو افشان  
و با چشم باز ، آموختی از شکست آن  
و کردی اکتوبری بناء  
از برای ستردن خون هایی که سرمایه ریختانده بود  
در تعارض و مصاد با همزادانش  
درین سو و آنسوی زمین دود اندود  
در جنگ بد فرجام هستی سوز آن سالها  
و آنگه ای که از برای بلعیدن جهان  
و نیروی کار انسان ،  
دومین تقابل و مصاد ، پا گرفته بود  
در کشور های اینطرف و آنطرف زمین زیبای ما  
و بود ، انهدام حاکمیت تو  
نخستین آماج نیرو های جنگی اش

\*\*\*

کارگر ! در آن جنگ بربریت فاشیستی  
خلق کبیرت رخصت اندیشیدن بتو داد  
وتو اجازت تفکر به حزب ات  
وحزب ات ، سُکان کشتی هستی خلق اشرا  
در حلقه ی مرکزیت ، و در دستهای پر توان رهبری ؛ نهاد  
و رهبری و رهبر ،

بر تارک تَبْحُر " استراتیژیست " های نظامی جهان  
- این جنگ افروزان نظام سرمایه -  
نشانند نگین دانش نجات بشریت از یوغ فاشیسم عریان را ...  
و تو، که پیشقراول و مشعلدار بودی در آن نبرد  
و تو که از درسهای کمون ،  
و زتهاجم ارتش سرمایه داران جهان بر اکتوبر؛  
با پیروزی بر بلندای تکامل پا گذاشتی  
و تو که از برای تکامل انقلاب ات  
در تداوم ابعاد جنگ فرساینده و طولانی ،  
در زیر آتش دشمنان رنگارنگ  
" راه طولانی " - این کار و پیکار و شهکار بی نظیر بشریت - را  
با شکیبائی و شهامت پیمودی  
و رمز و رازی تداوم انقلاب ، تحت حاکمیت ات را گشودی  
کنون بر خیز که زمان ، زمان خیزش توست  
و مکان - این کره ای ارض -  
که با هزاران هزار زخم ناسورش  
بین که می رود بسوی نیستی  
از دست غاتگرانی که در پی تسخیر و غارت جهانند ؛  
از دست انفجار هایی که در عمق عمق قلب زخمی اش  
آزموده بودند و می آزمایند ؛  
از دست ریزش افرازان مواد کمیگران پوسیده اندیشه  
که در ابحار و جویبارش ریخته بودند و می ریزند ؛  
از دست دود قیر گونی که از کوره های نیرو سوز رنجبران جهان  
بر فضای معطر و خوشگوارش پاشیده بودند و می پاشند ؛  
از دست زباله هایی زهر آگین ای که  
بر گودالهای خونین روی سینه ی غرقه به خویش  
انباشته بودند و می انبارند ؛  
از دست برمه ها و ، اره های هزاران هزار دندان اش  
که بر پیکر درختان بارورش، کشیده بودند و می کشند ؛  
بنگر که چپسان می رود بسوی نیستی ،  
کارگر !

راه نجات اش ، راه تداوم حیات اش

- حیات زمین زیبای ما -

در گرو نبرد هستی ساز توست

\*\*\*

ای کارگر!

ای " معنی آدم " که " راحت اعیان ثمر رنج توست "

ای " باعث آبادی عالم "

که " دولت " انحصارگران جهان " اثر کنج توست " . (\*)

برخیز، پاشو!

بورش ببر ، بر دژ جنگ افروزان خون آشام

" باید از ریشه بر انداز " ی

" کهنه جهان جور و بند "

" و آنکه ، نوین جهانی ساز " ی

که " هیچ بودگان هرچه گردند "

" روز قطعی جدال است "

" آخرین رزم " تو

" انترناسیونال است "

" نجات انسانها " (\*\*)

نجات انسان و حیوان و زمین و زمان

بدست توست ای کارگر!

خروشان شو ، موج و توفان زا شو

بکوب بر هر سنگ و هر صخره

جمجمه ی جنبنده ی پر خدعه و نیرنگ و حيله

جمجمه ی جنگ افروزان " نظم نوین "

و هم ، مزدوران گوش بفرمانشان ،

که در هر کجا ،

به اغفال خلق های در بند مشغولند .

\*\*\*\*\*

(\*) اشعار بین گیمه از زنده یاد لاهوتی است . (\*\*\*) سرود انترناسیونال از کارگرمبارز کمون پاریس (اوژین پوتیه) در گیمه می باشد.